A Study on the Knowledge of *Mohsen Davallou*, an Iranian Graphic Designer and Cartoonist in the Years 1320-1370 A.H.

ISSN (P): 2980-7956
ISSN (E): 2821-2452

10.22034/jivsa.2025.514570.1116

Narjes Momeni*

* Master of Art, Visual Arts Department, Fine Arts Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: nargesmomeni@ut.ac.ir

Citation: Momeni, N. (2025), "A study on the knowledge of Mohsen Davallou, an Iranian graphic designer and cartoonist in the years 1320-1370 A.H.", *Journal of Interdisciplinary Studies of Visual Arts*, 2025, 4 (8), P. 1-16.

Received: *30 March 2025*
Revised: *11 June 2025*
Accepted: *11 June 2025*
Published: *20 September 2025*

Abstract

The activity of the calligraphers and painters has been expanded with the revival Iranian cinema since 1327 AH. Mohsen Davallou, Aliakbar Sadeghi and Abbas Mazaheri were the most well-known placards designer artists in the 1340 AH. Mohsen Davallou was active in both caricature and designing posters for cinema and creating sets for theaters. Many movie posters in the late decade 30s and 40s are remembered with Davallou's signature. This artist had acquired movie posters in the decade 40s. He designed nearly 100 posters cinema marquee in this decade and limited his activities in the field of designing movie posters after publishing the Caricature magazine. His last movie posters were designed in 1349 AH. This current study has been done with the aim of introducing Mohsen Davallou and takes a look at this artist's activity in designing placard and movie posters and then seeks to find answer of the question: what are the features of Mohsen Davallou's movie posters? The research was conducted based on descriptive- analytical and is developmental in terms of purpose and qualitative in terms of date. The data of this research is based on written sources and reliable internet sources. The results of this research show that Mhsen Davallou's movie posters were produced by relying on power of the hand, attention to details, creative typography and visual element of the actors' face and body.

Keywords: Iranian Contemporary Graphic, Iranian Cinema Movie Poster, Mohsen Davallou, Introduction.

مقاله پژوهشی

پژوهشی در شناخت محسن دولّو طراح گرافیک و کاریکاتوریست ایرانی در سال‌های ۱۳۷۰- ۱۳۲۰ ه.ش[۱]

ISSN (P): 2980-7956
ISSN (E): 2821-2452

10.22034/jivsa.2025.514570.1116

نرجس مومنی*

* کارشناسی ارشد گرافیک، گروه هنر های تصویری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: nargesmomeni@ut.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

چکیده

از سال ۱۳۲۷ ه.ش با تجدید حیاتِ دوباره‌ی سینمای ایران، فعّالیّت خطّاطان و نقّاشان در این حوزه گسترده‌تر شد. در دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش محسن دولّو، علی‌اکبر صادقی و عبّاس مظاهری از شناخته‌شده‌ترین هنرمندان طراح پلاکارد و سردرهای سینمایی در ایران بودند. محسن دولّو علاوه‌بر کاریکاتور در زمینه‌ی طراحی پوستر برای سینماها و ساخت دکور برای تئاتر نیز فعّالیّت می‌کرد. بسیاری از پوسترهای فیلم ساخته شده در اواخر دهه ۳۰ ه.ش و دهه ۴۰ ه.ش سینمای ایران با امضای دولّو به یادگار مانده است. او در این دهه نزدیک به ۱۰۰ پوستر و سردر سینمایی طراحی کرد. اما پس از انتشار مجله‌ی کاریکاتور، فعّالیّت خود را در عرصه‌ی طراحی پوستر سینمایی محدود نمود به طوری که آخرین پوسترهای سینمایی او در سال ۱۳۴۹ طراحی شدند. پژوهش حاضر باهدف معرّفی محسن دولّو، نگاهی به فعّالیّت‌های این هنرمند در حوزه‌ی طراحی پلاکارد و پوسترهای سینمایی دارد و از این‌رو در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که: پوسترهای سینمایی محسن دولّو دارای چه ویژگی می‌باشند؟ این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته از منظر هدف، توسعه‌ای است و از منظر داده، کیفی به شمار می‌آید. روش یافته‌اندوزی، بهره‌گیری از اسناد مکتوب و منابع معتبر اینترنتی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پوسترهای سینمایی محسن دولّو با تکیه‌بر قدرت دست در نقّاشی، پرداخت دقیق جزئیات، تایپوگرافی خلّاقانه و با تأکید بر عنصر تصویری چهره و بدن بازیگران تولیدشده است. ترکیب‌بندی اغلب آثار او به تقلید از پوسترهای آمریکایی، چیدمان پرتره‌ها بود و حضور ایده در پوسترهای او کم‌تر به چشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: گرافیک معاصر ایران، سینمای ایران، پوستر فیلم، محسن دولّو.

[۱] مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نگارنده با عنوان «پژوهشی در تحول و تکوین هنر گرافیک معاصر در دهه ۲۰ و ۳۰ ایران» است که در دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران به انجام رسید.

۱. مقدمه

در اواخر عهد قاجار پوسترهای لیتوگرافی تحت عنوان «دیوارکوب» در اندازه‌های مختلف، بارنگ‌های اُخرایی و قرمز گُلی به چاپ می‌رسید. این دیوارکوب‌ها فاقد تصویر و متّکی بر متن بودند. تا قبل از شروع حکومت پهلوی دوم، «چاندرا واکر [i]»، از نخستین طراحان جدّی پوستر در سینمای ایران بود (قنبری، ۱۳۹۹، ص۲۷). قبل از آن‌که فیلم‌سازی در ایران رواج پیدا کند، واردکنندگان فیلم و صاحبان سینما با استفاده از پوستر اصلی و عکس‌های فیلم‌های خارجی، دیوارکوب‌های «ایرانی شده‌ای» به طراحان و نقاشان سفارش می‌دادند تا مخاطبان را به سالن‌های سینما بکشانند. در دورهٔ اوّل فیلم‌سازی (۱۳۰۹ -۱۳۱۶ه.ش) دیوارکوب‌های فیلم‌های ایرانی اعلامیه‌هایی بودند که به‌قصد اطلاع‌رسانی به عابران کوچه و خیابان طراحی و اجرا می‌شدند؛ امّا در همین سال‌ها با فیلم‌هایی که عبدالحسین سپنتا [ii] در هندوستان ساخت و در ایران عرضه شد (با استفاده از ابتکار طراحان هندی و چاپخانه‌های انگلیسی) پوسترهایی همراه فیلم‌ها به ایران ارسال شد که الگوی اصلی طراحی و چاپ پوستر در فیلم‌های بعدی سینمای ایران شد. فردریک تالبرگ [iii]، ناپلئون ساروایان[iv]، موشق ساروایان[v]، میشا گیراگوسیان [vi]، هایگ اُجاقیان [vii]، بوریس ماتویف [viii]، محسن دولّو، مسعود بهنام[ix]، داداش جمالی[x]، احمد مسعودی [xi] و... از طراحان فعّال سینمای ایران در سال‌های ۱۳۳۰ ه.ش تا ۱۳۴۰ ه.ش ایران بودند. این پژوهش باهدف معرّفی محسن دولّو، نگاهی به فعّالیّت‌های این هنرمند در حوزه‌ی طراحی پلاکارد و پوسترهای سینمایی خواهد داشت.

پیشینه تحقیق

در بررسی و مطالعه‌ی موضوع پژوهش، منابع به زبان فارسی و یا لاتین که به‌صورت سامان‌یافته و جامع، تحت عنوان یک منبع مرجع به کنکاش، تحلیل فعّالیّت‌های محسن دولّو هنرمند طراح پوسترهای سینمایی در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ ه.ش پرداخته باشد یافت نشد. پژوهش‌های گذشته در خصوص این هنرمند، بسیار اندک و پراکنده بوده و اغلب، تمامی وجوهِ کاری وی را موردِ مطالعه قرار نداده‌اند؛ بنابراین از این منظر، پژوهش حاضر پژوهشی نو به شمار می‌رود. امّا با این وجود، این واکاوی منجر به آشنایی با منابع مفید و ارزنده‌ای گشت که در دریافت و استنباط پاره‌ای از ابعاد مسئله یاریگر محقّق بود. در ذیل به برخی از آنان اشاره می‌شود: معراج قنبری در کتاب «صدسال گرافیک در تهران» (۱۳۹۹) که توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشرشده است، با پژوهشی نظام‌مند، به معرّفی برخی طراحان گرافیک تهران پرداخته است. علی بختیاری در کتاب «پلاکارت: نگاهی به طراحی اعلان سردر سینما در ایران» (۱۳۹۷) که توسط نشر هوم به چاپ رسیده است مجموعه‌ای از سردرهای سینمایی چاپی و نقاشی شده تا پیش از دیجیتال شدن این صنعت گردآوری‌شده است که شامل اعلان‌هایی از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۸۱ ه.ش هستند. او معتقد است این آثار که جزو فراموش‌شده‌ترین بخش‌های گرافیک و گرافیکِ سینما می‌باشند با طراحی گرافیک اصطلاحاً فاخر فاصله‌دارند و به هنرهای مردمی نزدیک‌تر هستند. تکنیک این سردرها نقاشی روی بوم، چاپ سیلک و یا نقاشی روی چوب می‌باشد و مشخّصه‌ی جالب آن‌ها طراحی‌حروف، نوع چهره‌پردازی و نوع نقّاشی‌هاست. مسعود مهرابی در کتاب «صد و پنج سال اعلان و پوستر فیلم در ایران» (۱۳۹۳) که توسط نشر نظر به چاپ رسیده است تاریخ مصوّر سینمای ایران را از طریق صدها پوستر و اعلان سینمایی روایت می‌کند. همین نویسنده در کتاب «پوسترهای فیلم (تاریخ سینمای ایران ۱۳۰۵-۱۳۷۱)» (۱۳۷۱)، منتشرشده توسط انتشارات راد، نمونه آثاری در این بازه‌ی زمانی را جمع‌آوری نموده است. مجددا همین نویسنده در کتاب دیگری با عنوان «تاریخ سینمای ایران از آغاز تا ۱۳۵۷» (۱۳۶۱) که توسط نشر فیلم به چاپ رسیده است به تجزیه‌وتحلیلی مستدل درباره‌ی آثار سینمایی مربوط به سال‌های ۱۲۷۹ ه.ق تا ۱۳۵۷ ه.ش پرداخته و در بخش پلاکارت اشاره‌ای کوتاه به فعّالیّت‌های محسن دولّو داشته است. درمجموع می‌توان گفت در خصوص هنرمند موردنظر، هیچ پژوهش منسجمی صورت نگرفته است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با ماهیّت توسعه‌ای، از منظر روش، توصیفی-تحلیلی و برحسب زمان، گذشته‌نگر بوده است. داده‌های این پژوهش، مبتنی بر منابع مکتوب، منابع معتبر اینترنتی و ابزار

گردآوری اطّلاعات فیش‌برداری بوده است. شیوه‌ی تجزیه‌وتحلیل آثار به‌صورت کیفی می‌باشد. آشنایی علاقه‌مندان و دانشجویان گرافیک با تاریخ طراحی پوسترهای سینمای ایران، نقش افراد پیشکسوت و فعّالیّت‌های آنان از دلایل ضرورت و اهمیّت این پژوهش است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. تاریخچه اعلان‌های سینمایی در ایران

طراحی اعلان یکی از شاخه‌های مهّم در زمینه‌ی ارتباطات بصری در ایران و سایر کشورهای جهان است. پیوند دو عنصر «تصویر و حروف» با یکدیگر در تبلیغات بسیار مهّم است (فهیمی‌فر و دیگران، ۱۳۹۲، ص۸۹). در اواخر دوره‌ی قاجار و دهه‌ی اوّل قرن حاضر، قبل از ساخته‌شدن اوّلین فیلم‌های سینمای ایران، اعلان‌های چاپ سنگی تحت عنوان دیوارکوب، در اندازه‌های مختلف و به رنگ‌های اُخرایی و قرمز گُلی تولید می‌شد. این دیوارکوب‌ها بر اساس متن و بدون تصویر و اکثراً با چند خطّ فارسی، ارمنی، روسی و فرانسوی منتشر شدند. در بسیاری از نمونه‌های این تبلیغات، از خطّ نستعلیق برای درج اطّلاعات استفاده‌شده است (قنبری، ۱۳۹۹، ص۲۴) (تصویر ۱).

تصویر ۱. طراح ناشناس، اعلان نمایش فرهاد و شیرین، ۱۳۲۱ ه.ش، چاپ سنگی، ۴۵×۳۵ سانتی‌متر (افشار مهاجر، ۱۳۹۸، ص۷۹).

در سال ۱۳۰۷ ه.ش، برادران ساروآریان (سروری)، موشق و ناپلئون، از مهاجران ارمنی از روسیه، اوّلین اعلان‌های فیلم سینمایی را ساختند. «آنان برای سردرِ سینماها، بر روی پارچه یا کاغذ پوسترهایی را طراحی و نقّاشی می‌کردند و با کلیشه‌هایی که از لاستیک می‌ساختند، تعداد محدودی آگهی‌های کوچک سینمایی را حکاکی و تکثیر می‌کردند» (رشیدی، ۱۳۸۰، ص۱۳). دو سال بعد، برادران ساروآریان اوّلین کارگاه تبلیغاتی را در خیابان لاله‌زار تهران راه‌اندازی کردند و در همین دوران، فردریک تالبرگ مهاجر سوئدی به ایران آمد و به‌طور ویژه در این زمینه فعّالیّت کرد (افشار مهاجر، ۱۳۹۸، ص۶۵) (تصویر ۲).

تصویر ۲. طراح ناشناس، اعلان فیلم سینمایی ده مرد رشید و نمونه‌ی عنوان‌بندی فارسی (URL:1)

تصویر ۳. عکاس ناشناس، محسن دوّلو (قنبری، ۱۳۹۹، ص۱۵۲)

تالبرگ به شیوه‌ی نقّاشی مستقیم روی شیشه، نوعی اسلاید دست‌ساز تهیّه کرد و شب‌ها آن را روی پرده‌های نمایشی که آن زمان در ابتدای کوچه برلن در خیابان لاله‌زار آویزان بود به نمایش می‌گذاشت. همین شیوه، بعداً در داخل سینماها

رواج یافت و قبل از نمایش فیلم‌ها، به نمایش اسلایدهای تبلیغاتی می‌پرداختند. در آن زمان از پلاکاردهای بزرگ فیلم برای نصب بالای درِ ورودی سینما استفاده می‌شد. تا سال ۱۳۲۷ ه.ش، به‌جز اعلان فیلم‌های «سپنتا» که تمامی آن‌ها در هند طراحی و منتشر می‌شد، عملاً هیچ اعلان سینمایی در کشور طراحی نمی‌شد (جمال، ۱۳۶۹، ص۱۷۱). احتمالاً مهّم‌ترین عامل آن، عدم تولید فیلم در این دوره توسّط کارگردانان ایرانی است. در این دوران اعلان‌های خارجی به همراه فیلم‌هایشان وارد ایران می‌شدند و تنها محتوای نوشتاری آن‌ها به فارسی ترجمه می‌شد. بدین ترتیب که نوشتار لاتین را بارنگ می‌پوشاندند سپس مشخّصات فیلم و اسامی به زبان فارسی جایگزین می‌شد. بعدها در چاپخانه همین‌کار با استفاده از کلیشه صورت می‌گرفت (تصاویر ۵ تا ۶).

تصویر ۴. محسن دولّو، کاریکاتور این هنرمند در نمایشگاه و کتاب پنجاه سال گرافیک ایران ۱۳۵۶ ه.ش (ممیز، ۱۳۵۵، ص۲۴)

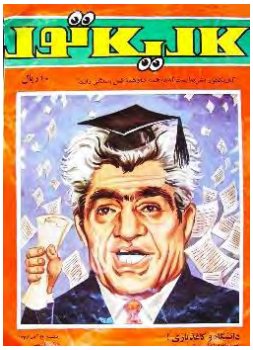

تصویر ۵. محسن دولّو، جلد شماره ۱۷ مجلّه‌ی کاریکاتور، یکشنبه ۲۶ آبان ۱۳۴۷ ه.ش (آرشیو معراج قنبری)

تصویر ۶. محسن دولّو، کاریکاتور مجلّه‌ی بامشاد، آذرماه ۱۳۴۵ ه.ش (آرشیو معراج قنبری)

از واردکنندگان اصلی فیلم به ایران، می‌توان شرکت «سینما ایران» و موسسه‌ی سینمایی «مایاک» را نام برد. پس این دوران نقّاشانی چون گئورگ گازارف، موشق آبراهام آبراهامیان (معروف به میشا گیراگوسیان به‌اختصار میشا)، هایگ اُجاقیان و بعدها هنرمندی به‌نام «ناصر»، برای هر فیلم به اندازه‌ی ورودی یا حاشیه‌ی درِ ورودی سینما، اعلان و پلاکاردهایی ساختند. «در دهه‌ی ۱۳۴۰ محسن دولّو، علی اکبر صادقی و عبّاس مظاهری از شناخته‌شده‌های بازار تولید سردر بودند» (بختیاری، ۱۳۹۷، ص۳۳).

نخستین اعلان‌های سینمایی که به‌وسیله‌ی نقاشان تهّیه می‌شد، اغلب ویژگی‌های یک تابلوی نقّاشی را تداعی می‌کرد. اعلان‌سازان بازاری توجّه چندانی به جنبهٔ هنری کار نداشتند و اغلب این اعلان‌ها فاقد ایده و خلّاقیّت می‌باشند. در واقع طراحی اعلان‌ها بیشتر طبق سلیقه و نظر شخصی سفارش‌دهنده صورت می‌گرفت. در اکثر مواقع تعدادی عکس از فیلم در اختیار طراح اعلان قرار می‌گرفت و او با کمک دستگاه «**اُپَک** [xi i]» آن‌ها را بر روی بوم منعکس می‌کرد و پس از طراحی قسمت‌های اصلی تصویر به رنگ‌آمیزی می‌پرداخت. محمّدعلی حدّت در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۵ ه.ش در این خصوص می‌گوید: «شباهت کامل چهره‌ی بازیگران به واقعیّت، یکی از مهّم‌ترین خواسته‌های سفارش‌دهندگان در آن روزگار محسوب می‌شد و این امر تنها با طراحی پرتره از روی تصویر میسّر نبود زیرا سفارش‌دهندگان انتظار داشتند چهره‌های بازیگران دقیقاً مشابه با واقعیّت باشد، بدین منظور با استفاده از دستگاه اُپک تنها طرح اوّلیّه‌ی چهره‌ها و قسمت‌های اصلی تصویر طراحی می‌شد و سپس باذوق و سلیقه‌ی طراح نقّاشی می‌شد. در این دوران (دهه‌های ۳۰ و ۴۰ ه.ش) گاهی عکس صحنه‌ای از فیلم را می‌چسباندند و رنگ‌آمیزی می‌کردند این امر نیز به‌دلیل حساسیت بسیار تهیّه‌کننده به شباهت کامل تصویر هنرپیشگان به اصل بود، می‌گفتند که نقّاشی باید دقیقاً شبیه به عکس باشد. گاهی از هر دو تکنیک عکاسی و نقّاشی استفاده می‌شد. در بعضی موارد که نیاز بود پرسوناژهای ریزی آورده شود، عکس چسبانده می‌شد و بر روی عکس نقّاشی انجام می‌گرفت، امّا به‌نحوی قوی اجرا می‌شد که نتیجه کار تفاوتی با عکس نداشت» (فرزانه، ۱۳۹۵، ص۳۵). از اواخر

دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش تغییری در مضمون فیلم‌ها رخ داد که ظاهر و مضمون اعلان‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داد. فیلم‌های سراسر حادثه‌ای، پُر خشونت و اِروتیک رواج بیشتری یافت. گویا اعلان‌های فیلمِ این دوران صرفاً باهدف جلب نظر مشتری، به‌گونه‌ای اغراق‌شده به تصویر صحنه‌های جنجالی و اروتیک فیلم می‌پرداختند. با رواج این فیلم‌ها به‌مرور اعلان‌ها نیز ساختار ثابتی پیدا کردند. مردی با یک اسلحه، تصویر برهنه‌ی یک زن و یا سربریده‌ی یک هنرپیشه‌ی معروف، صحنه‌ی انفجار، تصادف چند اتومبیل و... به شکلی عامّه‌پسند در زمینه‌ای از رنگ‌های غیرواقعی و تند عناصر اصلی این اعلان‌ها بودند (معلّم، ۱۳۶۸، ص۵۳).

۲-۲. زندگینامه محسن دولّو

محسن دولّو، در سال ۱۲۹۹ ه. ق در تهران متولّد شد. در دوران جوانی نقّاشی را به همّت خویش فراگرفت. او فعّالیّت حرفه‌ای خود را با طراحی و ساخت دکور تئاتر آغاز کرد. دولّو در این خصوص می‌گوید: «من پیش از آنکه به ساختن پلاکارد سینمایی بپردازم، دکوراتور تئاتر بودم، دکورهای مفصّل و پرخرجی که هفته به هفته بایستی عوض می‌شد. بیشتر کار من در تهران متمرکز بود، تئاتر سعدی و یکی دو تای دیگر هم در تهران فعّالیّت داشتند. همانطور که گفتم، تئاترهای آن زمان، هر هفته یک نمایشنامه عوض می‌کردند و برای هر نمایش، حداقل چهار دکور می‌ساختم همان‌طور که سینما با پلاکارد خودش را معرّفی می‌کرد و نشان می‌داد، دکور هم مایه‌ی اعتبار تئاتر بود. بعدها که صنعت سینما در کشور ما متولّد شد و رونق گرفت، من هم به اقتضای ذوق و علاقه‌ای که به طراحی و نقّاشی و همچنین سینما داشتم به پلاکارد سازی رو آوردم» (مهرابی، ۱۳۶۳، ص۴۶۳). دولّو در ابتدای فعّالیّتش به‌عنوان کاریکاتوریست، در سال ۱۳۲۵ ه.ش مسئولیّت سردبیری ضمیمه‌ی فکاهی *کاریکاتور استقلال* را پذیرفت، این ضمیمه تنها در یک شماره منتشر شد (مؤمنی، ۱۴۰۳، ص۱۵۸). در همان سال نشریه‌ای دیگر به نام مجلّه‌ی *پیروزی* که ضمیمه‌ی فکاهی آن با مسئولیّت محمّد مرتضوی و سردبیری آن با محسن دولّو بود منتشر شد. دولّو کاریکاتوریستی چیره‌دست بود که فعّالیّتش را به‌صورت حرفه‌ای از سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۲۰ ه.ش آغاز کرد و تا دهه‌های ۳۰ و ۴۰ ه.ش به همکاری با نشریّات سیاسی و غیرسیاسی مشغول بود. دولّو با ترسیم کاریکاتوری از شخصیّت خروشچف، رهبر وقت شوروی سابق، موفّق به کسب اوّلین جایزه‌ی معتبر بین‌المللی کاریکاتور ایرانی در جشنواره «مونترال کانادا» در سال ۱۳۴۲ ه.ش شد (تصویر ۴). در دوره‌ی نخست‌وزیری امیرعبّاس هویدا (۱۳۴۳ – ۱۳۵۶ ه.ش) مجلّه‌ی *توفیق* انتقادات طنزآمیز خودش رو متوجّه‌ی هویدا و دولت کرده بود. هویدا به این فکر افتاد که نشریه‌ی فکاهی جدیدی راه بیندازد تا روی آن نظارت داشته باشد. از این رو امتیاز مجلّه‌ی فکاهی *کاریکاتور* را به محسن دولّو واگذار کرد تا در مقابل *توفیق* قد علم کند. دولّو سال ۱۳۴۷ ه.ش نشریّه‌ی کاریکاتور را منتشر کرد؛ به همین جهت اغلب کاریکاتوریست-ها، وی را پدر کاریکاتور نوین ایران می‌نامند. مسعود مهرابی، جواد علیزاده و بهمن عبدی از همکاران وی در این مجلّه بودند (قنبری، ۱۳۹۹، ص۱۵۲). مجلّه‌ی کاریکاتور از ۶ مرداد ۱۳۴۷ ه.ش تا سال ۱۳۵۷ ه.ش منتشر شد (تصویر ۵).

محسن دولّو از تبار ایل قاجار و یکی از خاندان‌های تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران از دوران صفویه تا پهلوی بود. او همانند اعقابش در امور سیاست، تأثیرات بسزایی در تاریخ هنر معاصر ایران برجای گذاشت بطوریکه که آثارش آن‌چنان تأثیرگذار و چشم‌گیر بود که بسیاری را مرید خود ساخت. دوستی صمیمی او با جاوید نام امیرعبّاس هویدا شروعی برای ورود به عالم سیاست شد؛ او بعدها به‌عنوان نماینده‌ی مجلس شورای ملّی ایران در دوره بیست و سوم بین سال‌های (۱۳۵۰-۱۳۵۴ ه.ش) در حوزه انتخابیه ورامین گزینش گردید.

او در مجلّه‌ی پرطرفدار *توفیق* همواره سعی داشت اثری متفاوت ارائه دهد. دولّو برای هفته‌نامه‌ی *بامشاد نیز*، کاریکاتور و طرح جلد می‌کشید (تصویر ۶). زنده نام دولّو برای نخستین‌بار رنگ را در کاریکاتور رایج نمود و سبکی از اکسپرسیونیست‌های آلمانی را در آثارش مطرح کرد. او سعی نمود مکتب نمایش درونی همچون ترس، نفرت، عشق و اضطراب برای القای هیجانات شدید از رنگ‌های تند و گاه اشکال کج‌ومعوج خطوط زمخت بهره گیرد و درعین‌حال آثار او بسیار صریح، آرام‌بخش و چشم‌نواز بود. او علاوه بر کاریکاتور

در حوزه‌ی طراحی و ساخت دکور تئاتر، طراحی جلد کتاب، پوستر تبلیغاتی، سردرهای سینما و پوستر فیلم فعّالیّت داشت (تصاویر ۷ و ۸).

تصویر ۷. اثر محسن دولّو، طرح جلد کتاب انقلاب عثمانی، مؤلف، جرجی زیدان، ترجمه: محمّدعلی شیرازی)، انتشارات مجلّه ماه نو، سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ ه.ش [URL: 2]

تصویر ۸. اثر محسن دولّو، پوستر باران طلا، آگهی بانک بازرگانی ایران، ابعاد: ۷۰×۵۰ سانتی‌متر، دهه‌ی ۱۳۳۰ ه.ش (آرشیو موزه گرافیک ایران)

محسن دولّو که متأسفانه در بین نسل جوان‌تر، کم‌تر شناخته‌شده است، در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ ه.ش، هنرمندی بسیار پرمشغله بود و هنرمندان سینما، خوانندگان و نوازندگان موسیقی، رجال سیاسی «وکلا و وزرا، حتّی نخست‌وزیر» مشتریان او را تشکیل می‌دادند، آنان برای ثبت سفارش کاری که فقط از عهده‌ی این هنرمند برمی‌آمد پشت سر هم صف می بستند.

یک‌نفر برای اعلامیّه‌ی انتخاباتی، دیگری برای چاپ کتابی از سرگذشت وکلای دوره چهاردهم مجلس و تصاویر کاریکاتور آن‌ها رامی‌خواست، دیگری برای اجرای کنسرت، چهره کاریکاتوری خویش را سفارش می‌داد و از همه بیش‌تر، پخش‌کنندگان فیلم در آن زمان، پلاکارد سینمایی می‌خواستند و دولّو همان‌طور که سرش پایین بود و روی مقوّا هنرنمایی می‌کرد به حرف سفارش‌دهندگان گوش می‌داد و دستیارش قرارداد آن‌ها را ثبت می‌کرد. تنها کاریکاتوریستی بود که در دفرماسیون و کاریکاتوریزه کردن چهره‌ی افراد، نظیر نداشت و هیچ‌کس را یارای مقابله با او نبود. این هنرمند با این‌همه توانایی، نه اهل مصاحبه و نه دنبال فضایی برای خودنمایی خویش بود.

تصویر ۹. اثر محسن دولّو، کاریکاتور مجلّه‌ی سیاه و سپید (تختی ستاره‌ی تیم کشتی ایران)، جمعه ۱۶ مهرماه ۱۳۳۸ ه.ش [URL: 3]

در سال ۱۳۳۸ ه.ش محسن دولّو با خلق کاریکاتوری از چهره جهان‌پهلوان تختی از ایشان برای دیدن این اثر و کسب اجازه‌ی انتشار، در دفترِ مجلّه‌ی سپیدوسیاه دعوت می‌کند؛ (در آن زمان بیشتر کاربرد کاریکاتور استهزاء و انتقاد بود). این اثر با اقبال و قدردانی جهان‌پهلوان تختی روبرو شد و زنده‌یاد دکتر بهزادی آن را به همراه نامه‌ی آقای دولّو در سپیدوسیاه به چاپ رساند (تصویر ۹). این هنرمند در اواخر دهه‌ی ۴۰ ه.ش در آتلیّه‌ی شخصی خود واقع در طبقه چهارم ساختمانی در خیابان سوم اسفند (سرگرد سخایی) نشریّه‌ای هنری در قالب طنز نوشتاری و هم‌چنین مجموعه‌ای از کاریکاتوریست‌های آن زمان به‌نام «*کاریکاتور*» منتشر کرد. غلامعلی لطیفی[xiii]، احمد سخاورز[xiv]، کامبیز درم بخش[xv]، بهمن رضایی[xvi]، ایرج زارع[xvii]، نصرت الله نوح، غلامعلی لقایی، هادی خرسندی، محمّد پورثانی، محمّدتقی اسماعیلی، عشرت رحمان‌پور، عبدالخالق، مینا رئیس دانا، منوچهر محجوبی، پروین افشار و دیگران در این نشریّه وزین قلم می‌زدند و شعار مجلّه این بود: «برای آن‌هایی که بیش‌تر می‌فهمند و کم‌تر می‌خندند!» (تصاویر ۱۰ تا ۱۲).

تصویر ۱۰. محسن دولّو و جواد علیزاده در آتلیّه‌ی مجلّه‌ی کاریکاتور، فروردین ۱۳۵۶ ه.ش، عکاس ناشناس (حیدری، ۱۴۰۱، ص۱۴).

تصویر ۱۱. محسن دولّو درآتلیّه‌ی مجلّه‌ی کاریکاتور، عکاس ناشناس (قریشی ، ۱۴۰۱، ص۲).

تصویر ۱۲. محسن دولّو در آتلیّه‌ی شخصی در ساختمان گراندهتل (لاله‌زار)، دهه‌ی ۳۰ ه.ش، عکاس ناشناس، (قنبری، ۱۴۰۱، ص۲۶)

۳. بررسی طراحی پوستر و پلاکاردهای سینمایی منسوب به محسن دولّو

اگر دهه‌ی ۳۰ ه.ش را دوران میشا گیراگوسیان و اُجاقیان بدانیم، دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش، دوره‌ی محسن دولّو است که فعّالیّت حرفه‌ای و مستمر او نسبت به سایر نقاشان و طراحان هم‌دوره‌اش اعجاب‌انگیز است؛ امّا قبل از مشهور شدن دولّو در این حوزه، چند پوستر از اُجاقیان در دست است که از میان آن‌ها «پوستر عمو نوروز» (سیامک یاسمی، ۱۳۴۰ه.ش)، کولاژی [xviii] است دل‌نشین و چشم‌نواز، از تلفیق عکس و نقّاشی که نشان از رشد این تکنیک دارد؛ روشی که دولّو در ابتدای فعّالیّتش، شیفته و وابسته‌اش بود (تصویر ۱۳). محسن دولّو درباره‌ی سال‌های اوّلیّه‌ی پوسترسازی در ایران می‌گوید: «همزمان با رونق گرفتن بازار فیلم‌های فارسی، امکانات وسیعی برای تهیّه پوستر و پلاکاردهای سینمائی فراهم شد. امّا آن‌وقت‌ها امکانات چاپ به‌اندازه‌ی حالا نبود و حداکثر قطع آفیش‌های سینمائی قابل‌چاپ از ۵۰ سانتیمتر در ۷۰ سانتیمتر تجاوز نمی‌کرد» (مهرابی، ۱۳۶۳، ص۴۶۳). دولّو از سال‌های ۱۳۲۰ ه.ش تا ۱۳۴۵ ه.ش به‌عنوان دوران اوج کار سینما و ورنق فیلم فارسی یاد می‌کند و در این ارتباط می‌گوید: «به خاطر دارم آن روزها، هایک اُجاقیان روی بوم‌های کتانی برای سینماها پلاکارد می‌ساخت او برای این کار از رنگ‌روغن استفاده می‌کرد. کار اجاقیان تصویربرداری محض بود و صفحه‌آرایی (میزانپاژ)، صفحه‌بندی و ... در آفیش‌های سینمایی هنوز باب نشده بود» (مهرابی، ۱۳۹۳، ص۱۲). من در شروع کار پلاکاردسازی از رنگ‌روغن مات استفاده کردم. رنگ‌روغن مات فضای جالبی به وجود می‌آورد امّا چون زود خشک می‌شد کار کردن آن بسیار دشوار بود. «من برای بسیاری از فیلم‌های خارجی آفیش ساختم که حروف لاتین و فارسی در آن‌ها تقارن داشت و هیچ تفاوتی با آفیش‌های خارجی نداشت غیر از اُجاقیان، چهره‌هایی مثل داداشی، میشا و علیزاده بخاطرم می‌آیند که برای سینماها «پلاکارد» می‌ساختند» (مهرابی، ۱۳۶۳، ص۴۶۳).

در سال ۱۳۳۹ ه.ش، دولّو طرح پوستری را برای فیلم «آرشین مالالان» ارائه داد، امّا از دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش به‌صورت تمام‌وقت به این حرفه مشغول شد و به جمع طراحان این دوره پیوست و پوسترهایی در اندازه‌ی استاندارد ۵۰ ×۷۰ سانتی‌متر طراحی کرد. مرتضی ممیز در مقاله‌ی «اعلان، پلاکات، آفیش، پوستر سینمایی و عاقبت کار» می‌نویسد: «محسن دولّو اواخر دهه‌ی ۱۳۳۰ و اویل دهه‌ی ۱۳۴۰ با طراحی پوستر و اعلان‌هایی به قطع ۵۰ در ۷۰ و ۱۰۰ در ۷۰ سانتی‌متر کار تازه‌ای را در این زمینه عرضه کرد» (ممیز، ۱۳۸۲، ص۹۲). آثار این دوره به‌شدّت تحت تأثیر پوسترهای فیلم سینمای آمریکا [xix] و هند بودند. محسن دولّو، به‌واسطه‌ی تسلّط بر هنر نقّاشی و در نظر گرفتن سلیقه‌ی تماشاگر عام در طراحی پوستر فیلم‌های تجاری، ازجمله هنرمندان موفّق این دوران به‌شمار می‌آید. ویژگی آثار دولّو نسبت به سایر هنرمندان گذشته، صفحه‌آرایی و میزانپاژ شکیل، مناسب و شاخص‌تر و استفاده از طیف وسیعی از رنگ‌های چشمگیر و شاد بود که در میان تهیه‌کنندگان سینما، خواهان بسیار داشت (مهرابی، ۱۳۷۱، ص۱۱). پوستر فیلم «آرشین مالالان» که توسط محسن دولّو

طراحی شد ترکیب هم‌زمان عکس، نقّاشی و چیدمان تصاویر در کادرهایی با برش‌های مختلف و رنگین و نوآوری بود که تا سال‌ها در پوسترهای سینمایی تکرار نشد (تصویر ۱۴).

تصویر ۱۳. اثری از هایک أجاقیان، پوستر فیلم عمو نوروز، ۱۳۴۰ ه.ش (مهرابی، ۱۳۹۳، ص ۷۷).

تصویر ۱۴. اثری از محسن دولّو، پوستر فیلم آرشین مالالان، ۱۳۳۹ ه.ش (آرشیو آران جاویدانی)

تصویر ۱۵. اثری از محسن دولّو، پوستر فیلم دختران حوّا، ۱۳۴۰ ه.ش (آرشیو آران جاویدانی)

بسیاری از پلاکاردها و پوسترهای دهه ۱۳۴۰ ه.ش اثر محسن دولّو است. او در سال ۱۳۴۰ ه.ش، دولّو با ترکیب تصویرسازی و عکس، پوستر فیلم «دختران حوّا» (سعید نیوندی) را طراحی می‌کند (تصویر ۱۵). وی اندام بازیگران را در این پوستر، به شکل کاریکاتوری، بارنگ‌های شفاف و تخت نقّاشی کرده و با استفاده از عکس بازیگران، سَر آن‌ها را با نسبت اغراق‌آمیزی به بدن کلاژ نموده است. از آثار دولّو تعداد بسیاری پوستر به‌جای مانده، نمونه‌هایی چون «آهنگ دهکده» (مجید محسنی، ۱۳۴۰ ه.ش)، «چادرنشین‌ها» (علی محزون، ۱۳۴۱ ه.ش)، «امیرارسلان نامدار» (کارگردان و نویسنده اسماعیل کوشان ، ۱۳۴۵ ه.ش)، «حسین کُرد شبستری» (کارگردان و تهیّه‌کننده اسماعیل کوشان، ۱۳۴۵ ه.ش)، «مراد و لاله» (کارگردان و نویسنده صابر رهبر ، ۱۳۴۴ ه.ش)، «آراس‌خان»(ناصر ملک‌مطیعی، ۱۳۴۲ ه.ش) و «طوفان نوح» (کارگردان سیامک یاسمی ، ۱۳۴۶ ه.ش.) مشخّصه‌ی جریانی می‌باشند که وی در سینمای ایران رواج داد (همان، ص ۱۲) (تصاویر ۱۶ تا ۲۱).

تصویر ۱۶. محسن دولّو، پوستر فیلم آهنگ دهکده، ۱۳۴۰ه.ش (مهرابی، ۱۳۹۳، ص ۷۷)

تصویر ۱۷. محسن دولّو، پوستر فیلم چادرنشینی‌ها، ۱۳۴۱ ه.ش (مهرابی، ۱۳۹۳، ص ۸۰).

تصویر ۱۸. محسن دولّو، پوستر فیلم امیرارسلان نامدار، ۱۳۴۵ه.ش[URL: 4]

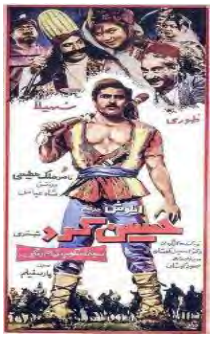

تصویر ۱۹. محسن دولّو، پوستر فیلم حسین کُرد شبستری، ۱۳۴۵ ه.ش (مهرابی، ۱۳۹۳، ص۹۲).

تصویر ۲۰. محسن دولّو، پوستر فیلم «مراد و لاله»، ۱۳۴۴ ه.ش (مهرابی، ۱۳۹۳، ص ۹۰).

تصویر ۲۱. محسن دولّو، پوستر فیلم آراس‌خان، ۱۳۴۲ ه.ش (مهرابی، ۱۳۹۳، ص۸۵)

جدول ۱. پوسترهای فیلم محسن دولّو در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۹ ه.ش (نگارنده)

نام فیلم	سال تولید	تعداد
تاکسی عشق، شهر هرت	۱۳۴۹ ه.ش	۲
قصر زرّین، قلب‌های طلایی، سه فراری	۱۳۴۸ ه.ش	۳
سنگ صبور، چرخ بازیگر، قوس و قزح، تحفه هند، سکّه دورو، مرد حنجره طلایی، دزد سیاهپوش، کشتی نوح، دختر شاه پریان، گردباد زندگی، ماجرای شب ژانویه، عشق قارون، ستاره هفت آسمون	۱۳۴۷ ه.ش	۱۳
ایمان، گذشت بزرگ، بندرگاه عشق، کوه‌زاد، نسیم عیار، زنی به نام شراب، مرد بی‌ستاره، معجزه، جاده زرین سمرقند، خوشگل و قهرمان، مرد دو چهره، گوهر شب چراغ،داش احمد، هفت شهر عشق	۱۳۴۶ ه.ش	۱۴
میلیونر فراری، قفس طلایی، شارلاتان، سه ناقلا در ژاپن، امیرارسلان نامدار، فرار از حقیقت، شوخی نکن دلخور میشم، مأمور ۱۱۴، آقا دزده، گدایان تهران، رانندگان جهنّم، دختر کدخدا، حسین کرد، یک قدم تا بهشت	۱۳۴۵ ه.ش	۱۴
زبون بسته، من مادرم، مردی در قفس، مرخصی اجباری، همه سر حریف، سه کارآگاه خصوصی، سه تا نخاله، سه تا بزن بهادر، مو طلایی شهر ما، افق روشن، قهرمان قهرمانان، گنج قارون	۱۳۴۴ ه.ش	۱۲
اشک یتیم، لذّت گناه، ترانه‌های روستایی، جهنّم زیر پای من، ستاره صحرا، دزد شهر، عروس فرنگی، دهکده طلایی	۱۳۴۳ ه.ش	۸
اشک‌ها و خنده‌ها، مسافری از بهشت، آراس‌خان	۱۳۴۲ ه.ش	۳
سوداگران مرگ، انتقام روح، گرگ صحرا، کلاه مخملی	۱۳۴۱ ه.ش	۴
دختران حوّا، آس و پاس، گلی در شوره‌زار، عشق بزرگ، آهنگ دهکده	۱۳۴۰ ه.ش	۵
آرشین مالالان	۱۳۳۹ ه.ش	۱

در این پژوهش، ۷۹ پوستر و سردر سینمایی با امضای دولّو گردآوری شد که اغلب نمونه‌ها مربوط به دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش می‌باشند (جدول ۱). او در این دهه با شیبی ملایم و به‌تدریج هرسال پرکارتر شد. دولّو در گفت‌وگویی با مسعود مهرابی، فروردین‌ماه (۱۳۶۲ ه.ش) درباره‌ی فعّالیّت در این زمینه می‌گوید: «همزمان بارونق گرفتن بازار فیلم‌های فارسی، امکانات وسیعی برای تهیّه‌ی پوستر و پلاکاردهای سینمایی فراهم شد؛ امّا آن‌وقت‌ها امکانات چاپ به‌اندازه‌ی حالا نبود و حداکثر قطع آفیش‌های سینمایی قابل‌چاپ از ۵۰ در ۷۰ سانتیمتر تجاوز نمی‌کرد صنعت سینما که در کشور ما رونق گرفت من هم به اقتضای ذوق و علاقه‌ای که به طراحی و نقّاشی و همچنین سینما داشتم به پلاکاردسازی رو آوردم و به خاطر دارم آن روزها هایک اجاقیان روی بوم‌های کتانی برای سینماها پلاکارد می‌ساخت. میزانپاژ و صفحه‌بندی در آفیش‌های سینمایی هنوز باب نشده بود شاید به این دلیل که سینماها هر چه ساخته می‌شد، می‌پسندیدند؛ امّا از وقتی‌که سینماهای درجه‌یک در شمال شهر ساخته شد نیاز به آ فیش‌های نو با میزانپاژ خوب احساس شد» (مهرابی، ۱۳۶۳، ص ۴۶۳).

رنگ و روغن مات فضای جالبی به وجود می‌آورد، امّا کار کردن با آن بسیار دشوار بود و کمتر کسی به سراغش می‌رفت و به همین دلیل، آثار و رنگ گذاری‌های دولّو متفاوت از دیگران بود. او در چهره‌پردازی و چهره‌سازی از بازیگران ماهر بود. مدت‌ها گذشت تا پوسترهای چاپی به وجود آمد و در آن‌ها، آن میزانپاژ و صفحه‌بندی‌ای که دولّو می‌گفت در درجه‌ی اوّل اهمیّت قرار گرفت. در کارهای سینمایی دولّو، تکنیک‌ها و برخوردهای گرافیکی و اجرایی متنوّعی به چشم می‌خورد؛ ترکیب عکس و کلاژ با تصویرگری که از نمونه‌های آن می‌توان به پوستر فیلم‌های «دهکده‌ی طلایی»، «رانندگان جهنّم» و «دزد شهر» اشاره کرد (تصاویر ۲۲ تا ۲۴).

تصویر ۲۲. اثر محسن دولّو، پوستر فیلم دهکده‌ی طلایی، ۱۳۴۳ ه.ش [URL: 5]

تصویر ۲۳. اثر محسن دولّو، پوستر فیلم رانندگان جهنّم، ۱۳۴۵ ه.ش [URL: 5]

تصویر ۲۴. اثر محسن دولّو، پوستر فیلم دزد شهر ۱۳۴۳ه.ش [URL: 5]

عنوان فیلم‌ها (لوگوتایپ) یکی از بارزترین ویژگی‌های پوسترهای محسن دولّو است. او هم‌ردیف با تصویرسازی و پرداخت به طراحی عنوان فیلم هم اهمیّت می‌داد نوعی تایپوگرافی خاص که به امضا یا به زبان شخصی او تبدیل‌شده بود در فیلم‌های «دزد شهر»، «بندرگاه عشق»، «جهنّم زیر پای من»، «انتقام روح» و... دیده می‌شود یا عنوان‌های سه‌بعدی مانند «امیرارسلان نامدار» و «آراس خان»؛ امّا این طراحی‌ها محدود به یک شیوه‌ی نوشتاری خاص نمی‌شد و تنوّع طراحی عناوین در کاره‌ای او بسیار حائز اهمیّت است (قنبری، ۱۴۰۱، ص۲۳) (تصاویر ۲۵ تا ۳۰).

تصویر ۲۵. اثر محسن دولّو، عنوان فیلم دزد شهر، ۱۳۴۰ ه.ش، بخشی از تصویر

تصویر ۲۶. اثر محسن دولّو، عنوان فیلم بندرگاه عشق ۱۳۴۰ ه.ش، بخشی از تصویر

تصویر ۲۷. اثر محسن دولّو، عنوان فیلم زیر پای من، ۱۳۴۰ ه.ش، بخشی از تصویر

تصویر ۲۸. اثر محسن دولّو، عنوان فیلم انتقام روح، ۱۳۴۰ه.ش، بخشی از تصویر

تصویر ۲۹. اثر محسن دولّو، عنوان فیلم امیرارسلان نامدار، ۱۳۴۰ ه.ش، بخشی از تصویر

تصویر ۳۰. اثر محسن دولّو، عنوان فیلم آراس‌خان، ۱۳۴۲ ه.ش، بخشی از تصویر

(مهرابی، ۱۳۹۳، ص۸۲)

دولّو در همان گفت‌وگو با مهرابی درباره‌ی دستمزد این کار می‌گوید: «از لحاظ دستمزد آفیش، چون گران‌ترین آفیش را تهیّه می‌کردم، پول مناسبی هم می‌گرفتم. مثلاً همان مهروموم‌ها حوالی ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، برای یک پلاکارد به‌اصطلاح ایتالیایی بزرگ کمتر از ۱۵۰۰ تومان نمی‌گرفتم» (قنبری، ۱۴۰۱، ص۲۶). از نمونه طراحی‌های متفاوت عنوان فیلم توسط این هنرمند می‌توان به «یک‌قدم تا بهشت»، «ستاره هفت آسمون»، «طوفان نوح»، «تاکسی عشق»، «» و «آس و پاس» و «قصر زرّین» اشاره کرد (تصاویر ۳۱ تا ۳۶).

تصویر ۳۱. اثر محسن دولّو، پوستر فیلم یک‌قدم تا بهشت، ۱۳۴۵ ه.ش [URL: 6]

تصویر ۳۲. محسن دولّو، پوستر فیلم ستاره هفت آسمون، ۱۳۴۷ ه.ش [URL: 6]

تصویر ۳۳. اثر محسن دولّو، پوستر فیلم طوفان نوح، ۱۳۴۶ (مهرابی، ۱۳۹۳، ص۹۵)

تصویر ۳۴. محسن دولّو، پوستر فیلم تاکسی عشق، ۱۳۴۷ه.ش [URL: 7]

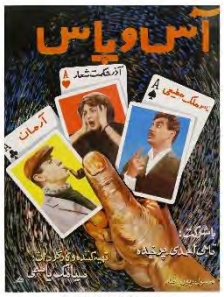

تصویر ۳۵. محسن دولّو، پوستر فیلم آس و پاس، ۱۳۴۰ه.ش [URL: 6]

تصویر ۳۶. محسن دولّو، پوستر فیلم قصر شیرین، ۱۳۴۷ ه.ش [URL: 6]

این طراح از میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۵۰ ه.ش کار طراحی پوسترهای سینمایی را کنار گذاشت او در گفت گویی در ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۷ ه.ش چنین گفته بود: «خوشبختانه عادت دارم همیشه کارم و هنرم را مطابق مقتضیات زمانه عرضه کنم. سازنده‌ی پلاکارد است که این هنر را در حدّ یک کار مبتذل و مهوع بازاری پایین می‌آورد و یا آن را در ردیف یکی از آثار ماندنی می‌سازد. با همه‌ی گرفتاری‌هایی که در چاپ و انتشار مجلّه‌ی کاریکاتور دارم گاهی ذوقم تحریک می‌شود و آفیشی می‌سازم. به هر حال اگر اشتغالات گوناگون برایم پیش نمی‌آمد اینک هم به این کار ادامه می‌دادم» (مهرابی، ۱۳۶۳: ۴۶۴). علاوه بر میشا گیراگوسیان، هایگ اجاقیان و محسن دولّو، نام‌های پرتکرار دیگری نیز در حرفه‌ی پلاکاردسازی سینما ایران ماندگار شدند. مسعود بهنام[xx] که به رقابت با دولّو برخاسته بود و داداش جمالی (معروف به داداشی)، احمد مسعودی (مؤسس خانه‌ی آگهی)، لوزانی، علیزاده، شیوا، عبّاس مظاهری، سیروس شقاقی[xxi]، رحیم بهشتی، محمّدعلی حدّت[xxii]، محمّدعلی باطنی[xxiii] و ... از دیگر طراحان پرکار و مؤثر پوسترهای سینمایی تا پیش از شکل‌گیری جریان سینمای موج نو و عدّه‌ای تا دوران انقلاب بودند. دولّو بعد از فوت نابهنگام همسرش دچار شکستگی درونی گشت و دیگر تمایلی به کار در عرصه‌ی هنر نداشت. محسن دولّو در پنجم دی‌ماه ۱۳۷۶ ه.ش در تهران آسمانی شد.

۴. نتیجه‌گیری

محسن دولّو هنرمندی جامع‌الاطراف بود. او در دهه‌های مختلف، با استمرار مشغول خلق آثار هنری در زمینه‌های گوناگون بود. آثار او روی جلد پرتیراژترین نشریّه‌های ایران منتشر می‌شد و چهره‌ی کمتر شخصیّتی از دست و قلمش به دورمانده بود. دولّو برای بسیاری پدر کاریکاتور نوین ایران است؛ امّا او علاوه بر کاریکاتور در زمینه‌ی طراحی و ساخت دکور برای تئاتر و طراحی پوستر و سردرهای سینمایی نیز فعّال بود. نام دولّو در ذهن‌ها به‌عنوان کاریکاتوریست حک شد امّا او پوسترهای سینمایی دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش را تصرّف کرده بود. دولّو یکی از نخستین طراحان بنام تهران بود که با استفاده از رنگ‌روغن مات، به طراحی پوستر و سَردرهای سینمایی پرداخت به همین دلیل، آثار و رنگ گذاری‌های او با دیگران متفاوت بود. در کارهای سینمایی وی، تکنیک‌ها و برخوردهای گرافیکی و اجرایی متنوّعی مانند ترکیب عکس، کاریکاتور و کلاژ با تصویرگری به چشم می‌خورد. آثار این هنرمند به‌شدّت تحت تأثیر پوسترهای فیلم سینمای آمریکا و هند بود. پوسترهای فیلم او تأکید خاصی بر چهره‌ی بازیگران فیلم دارد. در این آثار شخصیت‌های اصلی فیلم در ابعاد بزرگ‌تر، جای با اهمیّتی از پوستر را به خود اختصاص داده‌اند. در آثار وی شیوه‌ی اجرای چهره و اندام بازیگران با نوعی حجم‌پردازی، سایه‌روشن و استفاده از پرده‌رنگ‌های میانی شکل‌گرفته است. هنرمند با ایجاد ترکیب‌های نامتقارن امکان خلق آثار متنوع و پویا با موضوعات مختلف را فراهم کرده است. ساختار پوسترها غالباً بر اساس خطوط عمودی و مورب اجراشده است و طرز قرار گرفتن فیگورها از این نظام پیروی می‌کند. پالت‌رنگی آثار او محدود نیست و در اغلب آثار طیف وسیعی از رنگ‌های شاد و چشمگیر استفاده می‌کرد. در پوسترهای او گرایش به نمایش

جزئیات دیده می‌شود و خصلت توصیفی و روایتگری در اعلان‌های فیلم این هنرمند کاملاً آشکار است. ترکیب‌بندی عناصر نوشتاری در فضای پوسترهای او از قانون خاصّی پیروی نمی‌کند امّا به لحاظ طراحی عنوان اصلی، آثار او نسبت به نمونه‌های مشابه، اصولی‌تر می‌باشد. طراحی عنوان‌های خلّاقانه‌ی فیلم، یکی از بارزترین ویژگی‌های پوسترهای محسن دولّو است. او هم‌ردیف با تصویرسازی و پرداخت جزئیات به طراحی عنوان فیلم هم اهمیّت می‌داد. امّا این طراحی‌ها محدود به یک شیوه‌ی نوشتاری خاص نمی‌شد و تنوّع طراحی عناوین در کارهای او بسیار حائز اهمیّت است. نوعی تایپوگرافی خاص که به امضا یا زبان شخصی او تبدیل‌شده بود و برخی موارد به کمک سایه‌پردازی مختصر به‌صورت سه‌بعدی اجرا می‌شد. محسن دولّو، به‌واسطه‌ی تسلّط بر هنر نقّاشی و در نظر گرفتن سلیقه‌ی تماشاگر عام در طراحی پوستر فیلم‌های تجاری، ازجمله هنرمندان موفّق این دوران به‌شمار می‌آید. ویژگی آثار دولّو نسبت به سایر هنرمندان گذشته، صفحه‌آرایی و میزانپاژ شکیل، مناسب و عنوان‌بندی اصولی و متنوّع بود که در میان تهیه‌کنندگان سینما، خواهان بسیار داشت. دولّو در دهه‌ی ۴۰ ه.ش همزمان با فعّالیّت جدّی در دنیای کاریکاتور، نزدیک به ۱۰۰ پوستر و سردر سینمایی طراحی کرد.

کتاب‌نامه

- افشار مهاجر، کامران (۱۳۹۸). *تاریخ طراحی گرافیک ایران*. چاپ اوّل، تهران: فاطمی.
- امید، جمال (۱۳۶۹). *تاریخ سینمای ایران*. چاپ اوّل، تهران: نشر نگاه.
- بختیاری، علی (۱۳۹۷). *پلاکارت: نگاهی به طراحی اعلان سردر سینما در ایران*. تهران: هوم.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۵). *فرهنگ اصطلاحات هنری و اعلام هنرمندان*. چاپ سوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۹). *دایرةالمعارف هنر (سه‌جلدی)*. چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- حیدری، هادی (۱۴۰۱). «نباید نماینده مجلس می‌شد (گفتگو با جواد علیزاده درباره‌ی شخصیّت و زندگی محسن دولّو)». *آگاهی نو (شب‌نامه)*. شماره ۸، صص ۱۲- ۱۷.
- رشیدی، علی (۱۳۸۰). *گرافیک ایران ۱ (اوّلین کتاب آثار برگزیده طراحان گرافیک ایران- انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران)*. چاپ اوّل، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری- پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- فرزانه، ویدا (۱۳۹۵). «بررسی نقش تصویرسازی در طراحی پوسترهای سینمایی ایران در دو دهه ۵۰و ۶۰»،کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، استادان راهنما: محمّدعلی بنی اسدی، مصطفی گودرزی، گروه ارتباط‌تصویری، دانشکده هنرهای تجسّمی، پردیس هنرهای زیبا - دانشگاه تهران.
- فهیمی‌فر، اصغر و مهرنگار، منصور و سینکی، صبا و طباطبایی بافقی، سیدمحمّدتقی (۱۳۹۲). «*ویژگی‌های حروف‌نگاری فارسی در طراحی اعلان در گرافیک ایران*». *فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی نگره.ش*ماره ۲۵، دوره ۸، صص ۸۹-۱۰۲.
- قریشی، سیّد عمادالدّین (۱۴۰۱). «از تو نوشتن قدغن...». *آگاهی نو (شب‌نامه)*. شماره ۸، صص ۲- ۷.
- قنبری، معراج (۱۳۹۹). *صدسال گرافیک در تهران*. چاپ اوّل، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قنبری، معراج (۱۴۰۱). «دهه‌ی چهل قلمروی دولّو». *آگاهی نو (شب‌نامه)*. شماره ۸، صص ۲۴- ۲۶.
- معلّم، علی (۱۳۶۸). «پوسترهای فیلم». *سوره اندیشه*. شماره ۷، صص ۵۲-۵۳.
- ممیز، مرتضی (۱۳۵۵). *پنجاه سال گرافیک ایران*. تهران: نگارخانه مهرشاه.
- ممیز، مرتضی (۱۳۲). *حرف‌های تجربه*. مجموعه مقالات از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۲، تهران: انتشارات دید.
- مهرابی، مسعود (۱۳۶۳). *تاریخ سینمای ایران از آغاز تا ۱۳۵۷*. چاپ اوّل، تهران: ماهنامه‌ی سینمایی فیلم.
- مهرابی، مسعود (۱۳۹۳). *صد و پنج سال اعلان و پوستر فیلم در ایران*. چاپ دوم، تهران: نشر نظر.

- مهرابی، مسعود، ۱۳۷۱، *پوسترهای فیلم (تاریخ سینمای ایران ۱۳۰۵-۱۳۷۱)*. چاپ اوّل، تهران: انتشارات راد.
- مؤمنی، نرجس (۱۴۰۲). «پژوهشی در شناخت پیشگامان گرافیک نوین ایران در دهه‌ی ۲۰ و ۳۰ ه.ش». *مطالعات بین‌رشته‌ای هنرهای تجسّمی*، دوره ۲ (۴)، صص ۱۲۰-۱۰۵.
- مؤمنی، نرجس (۱۴۰۳). *دو دهه گرافیک در ایران (نگاهی به گرافیک ایران در دهه‌ی ۲۰ و ۳۰ ه.ش)*. چاپ اوّل، شیراز: گنج‌علم.

1: https://www.alamy.com URL
2: https://esam.ir URL
URL 3: https://bookmovie.ir
URL 4: https://www.cinematerial.com
URL 5: https://filme-farsi.blogspot.com
URL 6: https://tfilm12.ir
URL 7: https://daneshgara.co.uk

پی‌نوشت

[i] چاندرا واکر، طراح پوستر کمپانی امپریال فیلم بمبئی برای چهار فیلم دختر لر (۱۳۱۲)، شیرین و فرهاد (۱۳۱۴)، لیلی و مجنون (۱۳۱۴) و فردوسی (۱۳۱۵) به کارگردانی عبدالحسین سپنتا، پوستر طراحی کرد. این طراح تصاویر صحنه‌های فیلم، تصاویر بازیگران رنگ و رسم‌الخطّ‌های متفاوت را وارد کارهایش کرد.

[ii] عبدالحسین سپنتا (زاده ۴ خرداد ۱۲۸۶ ه.ش در تهران – درگذشته‌ی ۸ فروردین ۱۳۴۸ ه. ش در اصفهان) فیلم‌نامه‌نویس دختر لر، اوّلین فیلم ناطق ایرانی بود (مؤمنی، ۱۴۰۳، ص۴۹).

[iii] فردریک تالبرگ (انگلیسی:THALBERG) (تاریخ تولّد نامعلوم- تاریخ وفات نامعلوم) از پدر و مادری سوئدی در روسیه به دنیا آمد. در ۱۳۰۱ ه. ش به ایران سفر کرد. این طراح گرافیک، دکور و کاریکاتوریست از سوی وزارت فرهنگ و هنر ایران به دریافت نشان هنر نائل شد (مؤمنی، ۱۴۰۳، ص۵۹).

[iv] ناپلئون ساراریان (انگلیسی: Napeleon SARVARIA) (زاده ۱۲۸۷ش - درگذشته ۱۳۴۹ ش)، طراح پلاکارد و گرافیست ارمنی‌تبار اهل ایران بود (مؤمنی، ۱۴۰۳، ص۴۹).

[v] سروری [ساراریان]، موشِق طراح گرافیک و فیلم‌ساز متولّد در ارمنستان ۱۹۱۰/ ۱۲۸۹ش - ۱۹۸۱ /۱۳۶۰ ش). از نخستین پیشگامان طراحی گرافیک نوین ایران به شمار می‌آید. فعّالیّت حرف‌های خود را در تفلیس [گرجستان] با طنز نگاری مطبوعاتی شروع کرد. در اوان جوانی به ایران کوچید و با همکاری، برادرش ناپلئون سروری نخستین مؤسسه تبلیغات را در تهران بنیاد نهاد (۱۳۰۹). وی در این مؤسسه به کارهای مختلف ازجمله تصویرسازی طراحی نشانه آگهی و پوستر تبلیغاتی و چاپ دستی می‌پرداخت. بعداً به فیلم‌سازی روی آورد، نخستین فیلم خود را ساخت (۱۳۳۴) و شرکت سروری فیلم را تأسیس کرد (۱۳۳۹). از معدود نمونه‌های به‌جای ملنده از طرح‌هایش نشان مؤسسه تبلیغات سروری (۱۳۰۹)؛ نشان شرکت سروری فیلم (۱۳۳۴) (پاکباز، ۱۳۹۲، ج ۱، ص۸۲۹).

[vi] موشق آبرام آبراهامیان بانام هنری (میشا)، به ارمنی ( ) (زاده ۱۲۹۴ ه.ش در تاشکند – درگذشته‌ی ۱۳۷۶ ه. ش) طراح دیوارکوب و پلاکاردنویس ایرانی ارمنی‌تبار بود (مؤمنی، ۱۴۰۳: ۱۴۳).

[vii] هایک اُجاقیان (به ارمنی:) (به انگلیسی: Haig Ojaghian) در سال ۱۲۹۶ ه.ش در کراسنودار روسیه متولّد شد. وی در سال ۱۳۰۶ ه.ش به ایران مهاجرت کرد. او دوران جوانی خود را وقف تابلونویسی کرد و در سال ۱۳۱۹ ه.ش، پس از طراحی پلاکارت فیلم «کینگ کونگ» وارد عرصه‌ی سینما شد. او یکی از نخستین طراحانی بود که با استفاده از رنگ‌روغن، به طراحی سَردرهای سینمایی پرداخت. وی تا سال ۱۳۴۸ ه.ش به طراحی پوستر و سَردر سینما مشغول بود، با سینماهای «مایاک» و «ایران» همکاری کرد. پس از آن نقاشی منظره را نیز تجربه کرد (مؤمنی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۸).

[viii] بوریس ماتویوف فیلم‌بردار اهل شوروی بود. او بعد از انقلاب اکتبر روسیه به ایران مهاجرت کرد و به دعوت اسماعیل کوشان به استودیو پارس رفت.

[ix] بهنام، مسعود (نقّاش ایرانی، ۱۳۰۹/۱۹۱۰ ش- ۲۰۰۲/ ۱۳۸۱ ش). در هنرستان کمال‌الملک آموزش دید (۱۳۲۹-۱۳۳۰). وی مدّتی به کار نقاشی تبلیغاتی و پلاکاردهای سینمایی اشتغال داشت (۱۳۳۱- ۱۳۳۶). به آلمان رفت و اسلوب‌های چاپ سیلک اسکرین و تابلوسازی با نئون را فراگرفت. بعداً در نیویورک در رشته‌ی نقّاشی تحصیل کرد (۳۴۷-۱۳۴۹) (پاکباز، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۳۹).

و یکی از کاریکاتوریست‌های برجستهٔ ایران به شمار می‌آید.

[xvii] ایرج زارع کاریکاتوریست و کارتونیست در منزلش در تهران. ایرج زارع دی‌ماه سال ۱۳۲۰ در تهران به دنیا آمد. ابتدا به نقاشی علاقه داشت و کم‌کم به سمت کاریکاتور کشیده شد و از سال ۱۳۴۵ کارش را با مجلّه توفیق شروع کرد. آثار او در مجلاتی مانند توفیق، طنز پارسی، کاریکاتور، شماره صفر و... منتشرشده‌اند.

[xviii] Collage(پاکباز، ۱۳۹۵، ص ۳۷) کولاژ، تکّه‌چسبانی

[xix] شیوه آمریکایی: طراحی پوستر بر این اساس، متکی به بازیگر است و پلان اصلی و نخست پوستر به چهره‌ی درشت شده بازیگر اختصاص می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر در این‌گونه پوسترها بازیگر و یا ستاره فیلم عامل معرّفی و تبلیغ فیلم می‌باشند (فرزانه، ۱۳۹۵: ۲۳).

[xx] بهنام، مسعود (نقّاش ایرانی، ۱۳۰۹/۱۹۱۰ ش- ۲۰۰۲/ ۱۳۸۱ ش). در هنرستان کمال‌الملک آموزش دید (۱۳۲۹-۱۳۳۰). وی مدّتی به کار نقاشی تبلیغاتی و پلاکاردهای سینمایی اشتغال داشت (۱۳۳۱- ۱۳۳۶). به آلمان رفت و اسلوب‌های چاپ سیلک اسکرین و تابلوسازی با نئون را فراگرفت. بعداً در نیویورک در رشته‌ی نقّاشی تحصیل کرد (۳۴۷-۱۳۴۹) (پاکباز، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۳۹).

[xxi] استاد سیروس شقاقی، متولّد ۱۳۲۷ در شهر ارومیه بود. او فعالیت هنری خود را با خلق پرده‌های اعلان سردر سینماها از سال ۱۳۴۹ آغاز کرده و از سال ۱۳۶۸ تاکنون در اجرای آثار دیوارنگاری شهری با سازمان زیباسازی همکاری داشته است. مرحوم استاد شقاقی که یکی از بهترین هنرمندان در حوزه کاری خود بود، حدود ۵ هزار اثر را در گرایش‌های مختلف خلق و اجرا نمود. این هنرمند تیرماه ۱۳۹۷ ه. ش دار فانی را وداع گفت. پوستر فیلم سینمایی معما، تابستان ۵۸، مرگ سفید، طائل، مردی که موش شد، جایزه، مردی که زیاد می‌دانست، جنگلبان، سراب، موج طوفان و... ازجمله آثار این هنرمند به شمار می‌رود.

[xxii] محمّدعلی حدّت متولّد آبان ماه ۱۳۲۷ در شهر یزد است. او دیپلم خود را در سال ۱۳۴۶ ه. ش از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان در رشته نقاشی دریافت کرد. تبحر او در نقاشی موجب شد از سال ۱۳۴۹ ه.ش از او برای ساخت پوسترهای سینمایی دعوت به عمل آید، کاری که بعدتر به طراحی سردر سینماها منجر شد و تا سال ۱۳۷۶ ه.ش ادامه یافت. حدّت یکی از پرکارترین هنرمندان در این زمینه است و تاکنون بیش از ۶۰۰ پوستر و سردر برای فیلم‌های سینمایی داخلی و خارجی طراحی نموده است. ازجمله آثار وی می‌توان به پوستر فیلم تاراج، تفنگدار، جدال، حامی، در اسارت، حامی، روزهای انتظار و... اشاره کرد. وی در طی ۱۵ سال گذشته به تعلیم و تربیت هنرجویان مشتاق در شهر اصفهان

---

[x] داداش جمالی (معروف به داداشی) نقّاش و طراح پلاکارد فیلم برای سردر سینماها بود، آتلیّه‌ی او در انتهای طبقه همکف ساختمان پلاسکو قرار داشت.

[xi] احمد مسعودی نقّاش و طراح گرافیک، دهه‌ی ۳۰ ه. ش به کانون آگهی طوطی و در اواخر این دهه به سازمان فاکوپا پیوست و در سال ۱۳۴۱ ه. ش مؤسسه تبلیغاتی خانه آگهی را تأسیس کرد. مسعودی برای طراحی سردر و پوسترهای سینمایی به‌جای مونتاژ تصاویر از نقاشی استفاده می‌کرد. از پوسترهای فیلم این هنرمند می‌توان به جان‌سخت، جهنّم من، حسن‌کچل، خوشگل محله، دنیای پر امید، دهکده‌ی طلایی، سالار دهکده، ظفر، علی بی‌غم، کلبه‌ای آن‌سوی رودخانه، لوطی، لیلی و مجنون و... اشاره کرد. مسعودی در سن ۸۳ سالگی به دلیل ابتلا به کرونا و بیماری زمینه‌ای در سال ۱۴۰۱ ه. ش درگذشت.

[xii] این دستگاه برای نمایش عکس و تصاویر در ابعاد بزرگ‌تر بر روی پرده استفاده می‌شود.

[xiii] غلامعلی لطیفی کاریکاتوریست ایرانی است. لطیفی از پیشگامان کاریکاتور در ایران و از سرشناس‌ترین کاریکاتوریست‌های پیش از انقلاب اسلامی ایران است. در ۱۳۱۳ در شهر باکو به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۸ به همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد. کارش را با نشریه چهارصفحه‌ای چلنگر که به شکل هفتگی چاپ می‌شد آغاز کرد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد در نشریات نقش‌جهان، فردوسی به شکل منظم و در نشریات دیگر به شکل نامنظم کاریکاتورها و کارتون‌هایش به چاپ رسید. بعد از آن از سال ۱۳۳۶ همکاری‌اش را با توفیق شروع و در سال ۱۳۴۳ تمام کرد. کارهای او در داخل و روی جلد توفیق چاپ می‌شد. لطیفی «مجلّه کشکیات» را به همراه منوچهر محجوبی بنیان نهاده است. او سابقه‌ی تدریس در خانه کاریکاتور ایران را هم دارد. وی برای مجلّه‌ی کاریکاتور به سردبیری محسن دولّو (۱۳۴۷-۱۳۵۷) نیز کاریکاتور می‌کشید.

[xiv] احمد سخاورز (زاده ۱۳۲۳) کاریکاتوریست نشریات توفیق، فردوسی و اطّلاعات هفتگی بود. سخاورز در ۱۳۲۳ خورشیدی در تهران متولّد شد .تحصیلات عالی وی در زمینه‌ی زبان و ادبیّات انگلیسی است.

[xv] کامبیز درم بخش در سال ۱۳۲۱ در شیراز به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل هنرستان هنرهای زیبای تهران است و از پیشکسوتان هنر کاریکاتور در ایران به‌شمار می‌رود.

[xvi] بهمن رضایی در سال ۱۳۱۳ در روستای نامق از توابع کاشمر به دنیا آمد. بهمن رضایی از سال ۱۳۳۸ با مطبوعات همکاری کرده

طراحی پوستر فیلم در ایران به شمار می‌آید پوسترهای باطنی را می‌توان ادامه‌ای بر طراحی پوستر نقّاشان تبلیغاتی چون هایگ اجاقیان، میشا گیراگوسیان و محسن دولّو دانست ازجمله آثار وی می‌توان به پوستر فیلم امید، آن سفرکرده، آوار، پنجاه روز التهاب، تاواریش (رفیق)، ترانزیت، تونل، ساوالان، کاکلی، مقاومت، مهمان خصوصی و... اشاره کرد (قنبری، ۱۳۹۹، ص ۲۱۲).

اشتغال داشته و بیش از ۴۰۰ هنرجو که اکثراً در نقاشی فعال می‌باشند آموزش داده است.

[xxiii] محمّدعلی باطنی (زاده ۱۳۲۲ ش -)، او متولّد کرمانشاه است. طراحی سَردر و پوستر سینما را از سال ۱۳۴۴ آغاز کرد، اما اوّلین کار حرفه‌ای و جدّی و دیده‌شده‌ی او پوستر فیلم «دیوار شیشه‌ای» به کارگردانی ساموئل خاچیکیان بود. وی بیش از ۳۰۰ پوستر برای سینمای ایران طراحی کرده است و از هنرمندان برجسته در تاریخ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی